

تحولاتی که در نهایت منجر به رنسانس شد؛ دوره‌ای تاریک از تاریخ اروپا و کلیسا.

ویلیام باسکرویل، کشیشی باهوش و کارآگاه مسلک است که بر اساس استنتاج و استقرای منطقی حقایق نهان زندگی روزمره را کشف می‌کند؛ او همراه شاگردش آدسو برای جلسه‌ای الهیاتی میان چند فرقه رهبانی مسیحی، به صومعه‌ای وارد می‌شود و درگیر یافتن حقیقت چند قتل رخ داده در صومعه می‌شود.

داستان علاوه بر جذابیت‌های تاریخی، الهیاتی و فلسفی جذابیت‌های فضا‌های جنایی را نیز دارد؛ ویلیام برای مخاطبان به سادگی می‌تواند یادآور شخصیت شرلوک هلمز باشد. مجموع این جذابیت‌ها خواندن این کتاب نسبتاً طولانی را برای خواننده سهل و مفرح می‌کند. در ضمن خواندن کتاب اگر به یاد داشته باشید که نویسنده نماد و نشانه‌شناس برجسته‌ای بوده است، می‌توانید لایه‌های داستانی بالقوه‌ای را تصور کنید و از آزادی خیال و برداشت‌هایتان لذت ببرید و گاهی با نتایجی که نویسنده می‌گیرد غافلگیر شوید.

### محتوای فلسفی و الهیاتی

آنک نام گل از جهات مختلفی برای شناخت بخشی از جهان و تاریخ مسیحیت مفید است؛ نویسنده بحث و درگیری‌های الهیاتی مهمی را ضمن داستان و از زبان شخصیت‌ها معرفی کرده است؛ بحث‌های مهمی چون خاستگاه ثروت‌اندوزی کلیسا و نزاع گروه‌های مختلف در این باره، آنچه عیسی مروج‌اش بود و آنچه کلیسا در عمل بروز می‌دهد، نفی اهمیت دانش و علوم تجربی و پرهیز از تعامل نرم‌خویانه با جهان و مردمان به جای رفتار قیام‌مآب.

گذشته از بحث‌های الهیاتی که با ظرافت طرح شده‌اند و تصویر خوبی از جوآن روزگار به دست می‌دهند، خواندن کتاب می‌تواند شما را در لذت آشنایی با رسوم دیرها و صومعه‌ها، تفاوت‌های میان فریق رهبانی مسیحی و شیوه تعامل راهبان با جهان و انسان غرق کند؛ در ابتدای کتاب نقشه‌ای از صومعه آمده که برای ورود به فضای داستان و احساس حضور در آن بسیار کارساز است؛ علاوه بر این نویسنده، قصه را در ساعت‌های عبادی صومعه گنجانده و روایت می‌کند و همه این عوامل در فهم آن روزگار و آن مکان و زمان به یاری خواننده می‌آید و در نهایت تصویر نسبتاً معقول برایش می‌سازد.

بحث‌های فلسفی داستان، عمیقاً درگیر کننده‌اند؛ شاید تم اصلی داستان که با نماد کتاب و کتابخانه ساخته و بسط داده شده ما را برای دریافت انواع مفاهیم فلسفی آماده کند؛ کتابی درباره طنز و خنده که عامل مرگ و قتل‌های متعددی می‌شود و در نهایت صومعه را به آتش می‌کشد.

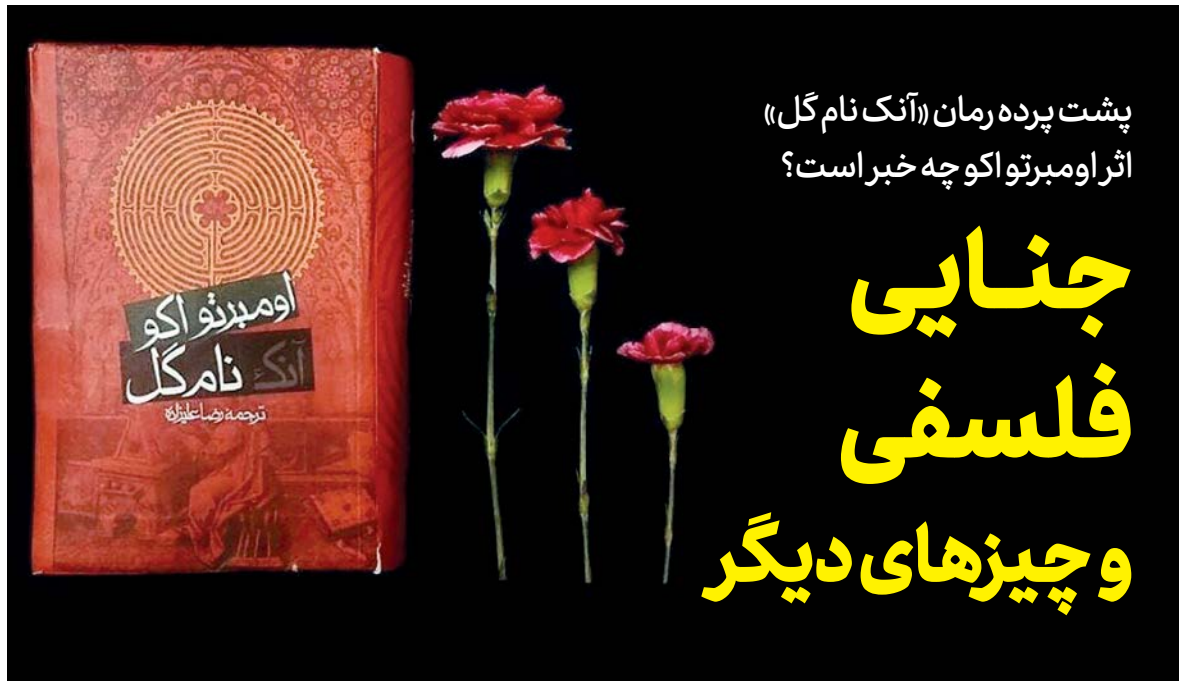
در ابتدای کتاب و برخورد با شخصیت ویلیام، خیال می‌کنیم همه چیز کشف‌شدنی است، فقط کافی‌ست درست نگاه کنیم و چیزی را از قلم نیندازیم. خیال می‌کنیم به چیزی جز عقل و منطق و نگاه نیازی نیست و ویلیام همه اینها را با خود دارد، اما هرچه به انتها نزدیک‌تر می‌شویم می‌فهمیم هرگز از دانستن و خواندن و تجربه بی‌نیاز نمی‌شویم؛ به نظر می‌رسد «الگویی وجود ندارد» و ما هرگز نباید دست از تحقیق برداریم.

درباره این کتاب می‌توان خیلی بیش از اینها سخن گفت و نویسنده مواد خامش را فراوان در اختیار گذاشته است، اما هدف این یادداشت ترغیب مخاطب برای خواندن این کتاب است، پس بیش از این سخنی نیست و مخلص کلام همان است که کتاب را بخوانید و لذت ببرید و در جهان‌ش غور کنید.

در شماره آینده از «بیگانه» آلبر کامو سخن خواهیم گفت. ]

پشت پرده رمان «آنک نام گل»  
اثر اومبرتو اکو چه خبر است؟

# جنایی فلسفی و چیزهای دیگر



### درباره کتاب

آنک نام گل یا آنک گل سرخ سال ۱۹۸۰ به زبان ایتالیایی. زبان نویسنده. منتشر شد. این کتاب با دو ترجمه فارسی در بازار کتاب موجود است. شهرام طاهری سال ۶۵ برای اولین بار این کتاب را ترجمه کرد و نسخه ترجمه او بارها در نشر شب‌اویز تجدید چاپ شد؛ سال‌ها بعد در سال ۹۳ رضا علیزاده کتاب را با نام آنک گل سرخ دوباره ترجمه و توسط انتشارات روزنه منتشر کرد. نسخه طاهری در دو جلد و مجموعاً ۷۴۲ صفحه و نسخه علیزاده در یک جلد و ۸۶۴ صفحه چاپ شده است. من نسخه ترجمه طاهری را خواندم و برای تورق نسخه علیزاده به چند کتاب‌فروشی سر زدم، اما نیافتم. در نتیجه نمی‌توانم ترجمه‌ها را مقایسه کنم و یکی را بر دیگری ارجح بدانم و فقط می‌توانم بگویم ترجمه طاهری خوب و روان بود و ارتباط خواننده را با متن مخدوش نمی‌کرد. گفته می‌شود اورهان پاموک رمان نام من سرخ را تحت تاثیر این کتاب نوشته است. داستان کتاب مربوط به قرن چهاردهم میلادی و تحولات کلیسا و حاکمیت کلیسا بر همه شؤون زندگی مردم است؛

کتاب «آنک نام گل» را مدت‌ها در

کتابخانه‌ام داشتم و می‌دانستم  
بالاخره روزی برای این صفحه نوبتش  
فراخواهد رسید. این کتاب  
مجموعه‌ای از قرار و مدارهای ما در

این صفحه را با خود دارد؛ هم فلسفی است، هم الهیاتی، هم تاریخی، هم سرگرم‌کننده و هم یکی از کتاب‌های مهم و معروف در این سیاق.

### درباره نویسنده و اولین رمانش

اومبرتو اکو در محافل ادبی اغلب به عنوان رمان‌نویس شهرت دارد؛ این درحالی است که او علاوه بر داستان و رمان‌نویسی، نشانه‌شناس، فیلسوف، منتقد ادبی و زبان‌شناس پرکاری بود. احتمالاً مجموعه این دانش‌ها و آگاهی‌ها اکو را در امر رمان‌نویسی یاری کرده و او را به نامی آشنا در میان علاقه‌مندان به ادبیات بدل کردند.

آنک نام گل اولین رمان اکو است که هیچ شباهت و قرابتی به اولین داستان بلند نویسنده‌ای مبتدی ندارد. اکو با این کتاب جهان ادبیات، ناشرش و حتی خودش را غافلگیر کرد؛

«ناشر آمریکایی‌ام به من گفت با این‌که عاشق کتابم شده، اما انتظار ندارد که بیش از ۳۰۰۰ نسخه فروش کند، آن هم در کشوری مثل آمریکا که هیچ‌کس صومعه ندیده یا زبان لاتین نخوانده است. برای همین به من پیش‌پرداختی برای ۳۰۰۰ نسخه داد. کتابم در نهایت در آمریکا دو تا سه میلیون نسخه فروش کرد. کتاب‌های زیادی پیش از این درباره قرون وسطی نوشته شده‌اند. من فکر می‌کنم موفقیت این کتاب، یک راز است. هیچ‌کس نمی‌توانست موفقیتش را پیش‌بینی کند.»

اکو به خوبی توانسته از پس چنین موضوعی برآید و با هوشمندی نمادشناسانه‌اش رمانی جذاب، عامه‌پسند و در عین حال نخبه‌پسند (اگر به عامه و نخبه در میان مخاطبان ادبیات قائل باشیم) بنویسد که سرشار از اطلاعات تاریخی است و بازسازی‌های خیالی‌اش از دوران مهمی از تاریخ اروپا، مسیحیت و به طور کلی غرب، پذیرفتنی و روشن‌کننده است. موفقیت این رمان موجب شد در سال ۱۹۸۶ ژان ژاک آتو فیلمی با همین نام از روی آن بسازد.

